

# نقش آفریننده دولت در مهار تورم، رشد تولید

عاطفه غلامی<sup>۱</sup>

## چکیده

تورم و رشد تولید به عنوان دو متغیر اساسی کلان اقتصادی، همواره مورد توجه سیاست‌گذاری اقتصادی برای بهبود رفاه اقتصادی کشورهاست. از همین منظر، رهبر معظم انقلاب سال جاری (۱۴۰۲) را سال «مهار تورم و رشد تولید» نام‌گذاری کرده‌اند. بی‌شک دولت به عنوان مرجع سیاست‌گذاری، مقررات‌گذاری، مدیریت، نظارت و بعضاً تصدیگری، در راستای تحقق شعار سال نقش بسزایی دارد، اما متأسفانه دولت کیفیت نهادی لازم را در کنار بزرگ بودن اندازه خود دارا نیست. مدیریت شرکت‌های واگذار شده، بعضاً شرکت‌های خصوصی، دخالت در امور بانکی و... نمونه‌هایی از تصدیگری دولت و ایجاد اختلال در عملکرد دیگر بخش‌هاست که بر تورم دامن می‌زند و رشد تولید را کاهش می‌دهد. از این رو راهکارهایی برای مهار تورم و رشد تولید با تأکید بر نقش دولت در این موضوع ارائه شده که عبارت از کاهش هزینه‌های دولت، کاهش دخالت دولت در تصمیمات بانک مرکزی، مولدسازی دارایی‌های دولتی، گسترش خصوصی‌سازی واقعی و ایجاد هماهنگی میان دولت و شرکت‌های دولتی است.

**واژگان کلیدی:** تورم، رشد اقتصادی، دولت، تولید، مولدسازی، خصوصی‌سازی، شرکت‌های دولتی.

## مقدمه

می‌کند. سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی را کاهش می‌دهد و چرخه تولیدات داخلی را کند می‌کند. وابستگی به خارج را افزایش می‌دهد و امنیت اقتصادی کشور را مختل می‌کند. از این رو مهار تورم و کمک به رشد تولید از سال جاری بنا به دستور رهبر معظم انقلاب در دستور کار است و دولت به عنوان مجموعه بزرگ تصمیم‌گیر کشور نقش بسزایی در تحقق این مهم دارد. در گزارش حاضر، ابتدا نقش دولت در تحقق شعار سال تبیین شده و سپس چهار محور اصلی اثرگذاری دولت بر مهار تورم و رشد تولید به تفصیل تشریح شده است. امنیت اقتصادی از دو بعد مثبت و منفی وجود و نبود تورم

تورم و رشد اقتصادی دو متغیر بسیار مهم در اقتصاد هر کشور هستند. این دو متغیر آن‌قدر جایگاه حساسی دارند که تمام فعالیت‌های اقتصادی و حتی روابط سیاسی بین کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهند و اهمیت دو متغیر یادشده بر کسی پوشیده نیست؛ به گونه‌ای که رهبر معظم انقلاب سال ۱۴۰۲ را سال «مهار تورم و رشد تولید» نام‌گذاری کرده‌اند و به فرموده ایشان، مهار تورم در کنار رشد تولید امکان‌پذیر است<sup>۲</sup>.

تورم بالا، تأثیر سیاست‌های دولت در امور مختلف را کاهش می‌دهد و حتی در برخی مواقع خنثی

at.gholami@ut.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دیدار رضانی مسئولان نظام با رهبر معظم انقلاب، ۱۴۰۲/۱/۱۵.

دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین مجموعه دارای افراد متخصص در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در ایران، نقش مهم و بسزایی در مهار تورم و رشد تولید دارد. فارغ از بزرگ بودن دولت و افراد متخصص مجموعه دولت، از آنجاکه تصمیمات نهایی در هر حوزه‌ای در نهایت، توسط دولت اتخاذ می‌شود، می‌توان گفت دولت نه تنها نقش مهمی در تحقق شعار سال دارد، بلکه بیشترین اثرگذاری بر مهار تورم و رشد تولید از کانال دولت ایجاد می‌شود. از این رو تحلیل اثرگذاری و نقش دولت بر مهار تورم و رشد تولید با تجزیه و تحلیل چهار محور مهم ارائه شده در شکل شماره ۱ صورت گرفته است.

بالا و رشد اقتصادی توضیح داده و در نهایت، راهکارهایی در راستای مهار تورم و رشد تولید در حیطه وظایف دولت پیشنهاد شده است.

### ۱- عوامل اثرگذار بر مهار تورم و رشد تولید

رشد تولید و مهار تورم را نمی‌توان جدا از یکدیگر دانست. به عبارتی، مهار تورم و رشد تولید دو جزء جدانشدنی و لازم و ملزوم یکدیگر هستند. عوامل بسیاری بر مهار تورم و رشد تولید اثرگذارند، اما بیشترین اثرگذاری برای تحقق این مهم بر عهده دولت است؛ زیرا دولت خاستگاه تصمیمات مهم اقتصادی-اجتماعی و سیاسی است. به عبارت دیگر،

شکل ۱- کانال‌های مهم اثرگذاری دولت بر مهار تورم و رشد تولید



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

درباره هزینه‌ها و سیاست‌گذاری در طرح‌های عمرانی بخش عمومی توسط دولت، سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد<sup>۱</sup>.

• **تصدیگری:** نقش تصدیگری دولت به معنای در دست داشتن مالکیت و مدیریت بنگاه‌های اقتصادی است. به عبارت دیگر، دولت از لحاظ عملیاتی همه‌کاره فعالیت‌های اقتصادی است<sup>۲</sup>.

به طور کلی دولت از دو طریق بر چهار محور ارائه شده در شکل شماره ۱ اثرگذار است.

• **سیاست‌گذاری:** نقش حاکمیتی و سیاست‌گذاری دولت بیشتر بر وظیفه نظارت، برنامه‌ریزی کلان، سیاست‌گذاری راهبردی، کنترل و تنظیم بازارها و توازن اجتماعی تأکید دارد. برای مثال، عدم تصمیم‌گیری قاطع

۱. احمدی، ۱۳۸۰.

۲. صادقی شاهانی و همکاران، ۱۳۸۸.

و چه بسا با رونق تولید نیاز به نیروی کار تشدید شود و اشتغال نیز افزایش یابد. با افزایش تولید، تقاضای انباشته کاهش می‌یابد و با کاهش تقاضای انباشته، قیمت‌ها نیز شکسته می‌شود که این موضوع در کنترل تورم نقش مهمی دارد. از سویی با تأمین سرمایه بخش‌های تولیدی، بسیاری از مواد اولیه یا واسطه‌ای وارداتی مورد نیاز کارگاه‌ها، داخلی‌سازی و با قیمت کمتر عرضه می‌شوند که این منجر به کاهش قیمت تمام‌شده محصولات و عرضه آن‌ها با قیمت کمتر در بازارها می‌شود. یکی دیگر از آثار مثبت و کوتاه‌مدت مولدسازی دارایی‌های دولتی، رفع کسری بودجه جاری است که منجر به افزایش نقدینگی و کنترل تورم در کوتاه‌مدت شده است. گفتنی است چنین آثاری کوتاه‌مدت است و باید با سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اقتصاد، این آثار بلندمدت شود.

#### ۱-۲- خصوصی‌سازی

خصوصی‌سازی فرایندی اجرایی، مالی و حقوقی است که دولت‌ها در بسیاری از کشورهای جهان برای اصلاحات در اقتصاد و نظام اداری کشور به اجرا درمی‌آورند. خصوصی‌سازی از دو کانال بر تولید اثرگذار است.

- انتقال وجوه مالی از بخش خصوصی به بخش دولتی: در واقع با فروش دارایی‌های دولت به بخش خصوصی، وجوه مالی بسیاری به بخش دولتی سرریز خواهد شد.
- انتقال مالکیت و کنترل مؤسسات از دولت به بخش خصوصی! فروش دارایی‌های دولتی

در ادامه، برای تحلیل نقش دولت بر مهار تورم و رشد تولید، چهار محور در گزارش حاضر مورد تحلیل قرار گرفته است. محور اول، مولدسازی دارایی‌های دولتی، محور دوم، حمایت دولت از فرایند خصوصی‌سازی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی، محور سوم، حمایت دولت از شرکت‌های دولتی و محور چهارم، ارتباط دولت با نظام بانکداری است.

#### ۱-۱- مولدسازی دارایی‌های دولتی

اصل مولدسازی بر ارتقای بهره‌وری دارایی‌های دولتی با استفاده پایدار از آن‌ها تأکید دارد. مولدسازی دارایی‌های دولت (دارایی‌های غیرمنقول و مازاد) یکی از روش‌های تأمین بودجه یا جبران کسری بودجه، افزایش کارایی و بهره‌وری در بخش‌های دولتی است. مولدسازی دارایی‌های دولتی اگر به‌صورت درست انجام شود، در مهار تورم و رشد تولید بسیار اثرگذار است. در واقع، با مولدسازی دارایی‌های دولتی بخش اعظمی از دارایی‌های دولت که به‌صورت راکد باقی مانده و تنها در دفاتر حسابداری در انتهای هر سال مالی ارزش دفتری آن‌ها منظور شده است، می‌تواند به‌عنوان ابزاری در راستای اجرای بهینه سیاست‌های دولت خصوصاً سیاست‌های اقتصادی به کار گرفته شود. برای مثال، بسیاری از طرح‌های نیمه‌کاره دولت با وارد شدن منابع راکد دولتی به چرخه اقتصادی به اتمام می‌رسند. بسیاری از بخش‌های تولیدی نیازمند سرمایه تقویت می‌شوند و تولید آن‌ها رونق می‌گیرد

می‌دهد که رفتار افراد و بنگاه‌ها در دو نوع مالکیت دولتی و خصوصی بسیار متفاوت است. طبق این نظریه، در مالکیت خصوصی، حفظ و رشد منابع و تولید محصول و در مالکیت دولتی، برداشت سریع منابع و نابودی در بلندمدت مشاهده می‌شود.<sup>۱</sup>

با توجه به مطالب بیان‌شده، به‌وضوح مشخص است که خصوصی‌سازی تأثیر بسزایی بر مهار تورم و رشد تولید دارد، اما نقش دولت در این فرایند بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا صرف خصوصی کردن بنگاه‌های اقتصادی متضمن افزایش تولید و رشد اقتصادی نیست. در این فرایند، فنون و روش‌های واگذاری، نظارت پس از واگذاری، تداوم اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، ایجاد فضای رقابتی در بخش خصوصی و گسترش شفافیت باید توسط دولت ایجاد شود تا حداکثر نتیجه مثبت از فرایند خصوصی‌سازی در راستای تحقق شعار سال محقق شود.

### ۱-۳- شرکت‌های دولتی

تمام بنگاه‌های اقتصادی دولت را نمی‌توان در جریان مولدسازی و خصوصی‌سازی به غیر واگذار کرد؛ زیرا برخی از فعالیت‌های دولت در این بنگاه‌ها از حیثه فعالیت و توان بخش خصوصی خارج است مانند تولید کالاهای عمومی، طرح‌های عمرانی عظیم

(بنگاه‌های اقتصادی) به بخش خصوصی منجر به کنار رفتن دولت از مدیریت و مالکیت بنگاه‌های یادشده می‌شود.

بیشتر اقتصاددانان بر این باورند که مالکیت دولتی ذاتاً ناکارآمدتر از مالکیت خصوصی است. حتی اگر بخش دولتی خیرخواه باشد، به دلیل بزرگ بودن دولت و حجم بالای فعالیت‌های آن، کیفیت مدیریت توسط دولت پایین‌تر از بخش خصوصی است.<sup>۱</sup> از این رو اگر برخی از بنگاه‌های اقتصادی دولتی به بخش خصوصی واقعی واگذار شوند (واگذاری مدیریت اولویت است نه تنها مالکیت)، تأثیر بسزایی بر رشد تولید و مهار تورم دارد. بدین صورت که

- مالکیت خصوصی با به رسمیت شمردن حق ادعای باقی‌مانده موجب ایجاد انگیزه مضاعف حداکثرسازی سود خواهد شد درحالی که چنین بحثی در مورد مالکیت دولتی وجود ندارد.<sup>۲</sup>
- جریان نقل و انتقالات در بخش خصوصی به آسانی انجام می‌گیرد و تصمیم‌گیری در بخش خصوصی کاراتر است که بر تولید و درنهایت، بر رشد اقتصادی اثرگذار است.<sup>۳</sup>
- در بیشتر مواقع، مالکیت عمومی و دولتی منجر به اتلاف منابع می‌شود مانند استفاده بیش از حد از چراگاه‌های مشترک و صید بیش از حد ماهی در مناطق آب‌های عمومی. نظریه بازی‌ها نشان

۱. معمارنژاد و همکاران، ۱۳۹۲.

۲. نظریه مدعی‌الباقی‌مانده: حقوق مالکانه یا خالص دارایی‌ها، حق مالی (منافع) باقی‌مانده در دارایی‌های واحد تجاری پس از کسر کل بدهی‌ها از کل دارایی‌هاست. به علت اینکه حقوق مالکانه، یک حق باقی‌مانده است، نمی‌توان آن را مستقل از دارایی‌ها و بدهی‌ها اندازه‌گیری کرد.

۳. هایک، ۱۹۴۹.

۴. هایک، ۱۹۴۹.

از روش‌های نوین تأمین مالی استفاده نمی‌کند یا اینکه درصد استفاده از این روش‌ها بسیار پایین است، منجر به افزایش نرخ تورم می‌شود.

نکته دیگر درباره شرکت‌های دولتی این است که در بسیاری از موارد حتی میان دولت و شرکت‌های دولتی هماهنگی برای تعیین قیمت محصولات تولیدی مشاهده نمی‌شود و بعضاً محصولات دونرخی وارد بازار می‌شوند که چنین شرایطی نه تنها تعادل بازار را بر هم می‌زند و اعتماد عمومی را کاهش می‌دهد، بلکه منجر به ایجاد تورم در بازار می‌شود. برای مثال می‌توان به بازار خودرو و محصولات آن اشاره کرد که در چند سال اخیر یک خودرو با چند قیمت عرضه شده است (قیمت کارخانه و قیمت بازار آزاد). دلیل این چند قیمتی بودن خودرو در سال‌های اخیر، نبود هماهنگی میان دولت و شرکت‌های خودروسازی دولتی بوده است. چند قیمتی بودن خودرو منجر به ایجاد بازار دلالی شده که تقاضای کاذب برای خودرو به قیمت کارخانه را ایجاد کرده است. نتیجه وجود چنین تقاضای بالایی، ایجاد صف بوده و هست که در نهایت، دولت تصمیم به قرعه‌کشی محصولات گرفته است و از این طریق خودرو به مردم با قیمت کمتر عرضه می‌شود. چنین تصمیمی نه تنها راهگشا نبوده، بلکه بازار دیگری برای خرید و فروش شماره ملی ایجاد کرده است که دلالان بتوانند به راحتی خودرو با قیمت کارخانه را خریداری کنند و با قیمت بازار آزاد به فروش برسانند و از این طریق سود کلانی به دست آورند. در چنین شرایطی، خودرو در ایران از کالای مصرفی به کالای

شهری و بین‌شهری و فعالیت‌هایی از این قبیل. بنابراین، حتی اگر بتوان بیشتر بنگاه‌های اقتصادی را به بخش خصوصی واگذار کرد و دارایی‌های غیرمنقول دولت را از طریق مولدسازی به اشخاص حقیقی و حقوقی سپرد، باز هم بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی بر دوش دولت است.

یکی از ریشه‌های اصلی تورم در ایران ناشی از هزینه‌های بالای دولت است. با توجه به قوانین بودجه سال‌های مختلف، به‌وضوح مشخص است که هر ساله مبلغ بالایی برای مصارف عمومی دولت هزینه شده و این مصارف هر سال نسبت به سال گذشته روند صعودی داشته است. برای مثال، مصارف عمومی دولت در بودجه سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۱، حدود ۴۲ درصد رشد داشته است.<sup>۱</sup> بالا بودن بودجه مصارف عمومی دولت ذاتاً چیز بدی نیست به شرطی که این منابع در جای درست و برای امور درست هزینه شوند، اما متأسفانه سالانه شاهد شروع طرح‌های عظیمی از سوی دولت هستیم که پس از گذشت زمان، به‌رغم هزینه بسیار برای آن‌ها، نیمه‌کاره مانده‌اند. به عبارتی، تعریف طرح‌های عظیم اقتصادی که گاه هیچ‌گونه توجیه اقتصادی ندارند و بیشترشان در اواسط کار رها می‌شوند، نه تنها منجر به هدررفت منابع دولت می‌شود، بلکه چنین طرح‌هایی ذاتاً تورم‌زاست. زمانی که هزینه‌های دولت این چنین بالاست و دولت برای تأمین مالی دست به خلق پول جدید و فشار بر شبکه بانکی<sup>۲</sup> می‌زند و برای تأمین مالی از ایجاد ارزش افزوده از دیگر فعالیت‌های اقتصادی و بهره‌گیری

۱. مرکز پژوهش‌های مجلس، بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲.

۲. خلق پول در اقتصاد فرایندی است که در آن، نقدینگی کشور افزایش می‌یابد و از رشد بیش از نیاز آن به‌عنوان عاملی برای تورم تعبیر می‌شود.

مرکزی تشدید می‌شود. برای مثال، دولت از طریق تعیین سقف سود سپرده‌های بانکی، نرخ بالای ذخایر قانونی، دخالت در نحوه توزیع اعتبارات بانکی، وضع قوانین محدودکننده حساب جاری و حساب سرمایه منجر به منفی شدن نرخ بهره حقیقی می‌شود.<sup>۴</sup> کنترل نرخ سود سپرده‌ها و نرخ سود تسهیلات توسط دولت، الزام و اجبار به بانک‌ها در اعطای تسهیلات تکلیفی با نرخ پایین‌تر از نرخ تعادلی، توزیع اعتبارات بین بخش‌های اقتصادی با اولویت‌های تعیین‌شده توسط دولت و اعطای تسهیلات به شرکت‌های با ریسک اعتباری بالا نمونه‌هایی از دخالت دولت در سیستم بانکی هستند.<sup>۵</sup> چنین دخالت‌هایی پیامدهایی از جمله موارد زیر را در پی دارد.

- تضعیف سیاست‌های پولی.
  - افزایش خلق پول.
  - افزایش ریسک اعتباری بانک‌ها.
  - تخصیص غیربهبینه منابع مالی.
  - خارج شدن حجم زیادی از منابع مالی بانک‌ها از دسترس آن‌ها.
  - افزایش مطالبات معوق و مشکوک‌الوصول.<sup>۶</sup>
- هریک از پیامدهای یادشده به افزایش تورم دامن می‌زند و موجب کندی رشد اقتصادی می‌شود. برای مثال، حجم بالای مطالبات معوق بیان‌کننده این است که منابعی که می‌توانست وارد بانک و در چرخه تولید و اشتغال به کار گرفته شود، از فرایند تولید و

سرمایه‌ای تبدیل شده است. این چندنرخ بودن منجر به ایجاد تورم در برخی بازارهای وابسته به خودرو شده که مانند دور باطل دوباره قیمت خودرو را افزایش داده و تورم کل بالا رفته است.

با توجه به مطالب عنوان‌شده می‌توان گفت دولت به‌عنوان نهاد تصمیم‌گیر، مجری و ناظر بر فعالیت شرکت‌های دولتی، نقش بسزایی در مهار تورم و رشد تولید دارد. این مهم نیازمند این است که هماهنگی میان دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی افزایش یابد، از اجرای طرح‌های بدون توجیه اقتصادی جلوگیری شود، هزینه‌های دولت کاهش یابد و نظارت مستمر بر بازارها و فعالیت شرکت‌های دولتی شکل گیرد.

#### ۱-۴- بانک‌ها

یکی از ریشه‌های اولیه و عمده تورم در کشور، رشد حجم نقدینگی است؛ به‌طوری‌که رهبر معظم انقلاب از آن با عنوان سیل ویرانگر نام برده‌اند.<sup>۱</sup> بالا بودن نرخ رشد نقدینگی در کشور ناشی از عوامل متعددی مانند تعدد بانک‌های تجاری<sup>۲</sup>، نبود بانک‌های سرمایه‌گذاری<sup>۳</sup>، بی‌انضباطی مالی، سیاست‌های مقطعی پولی و عدم استقلال بانک مرکزی در اجرای سیاست‌های پولی مهارکننده تورم است. وجود عوامل فوق در کنار دولتی بودن بخش عمده‌ای از مدیریت سیستم بانکی، زمینه دخالت دولت در بازارهای پولی را فراهم می‌کند. چنین دخالتی از سوی دولت در صورت عدم استقلال بانک

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۸/۲/۲۴.

۴. کمیجانی و همکاران، ۱۳۸۷.

۵. نیلی، ۱۳۸۴.

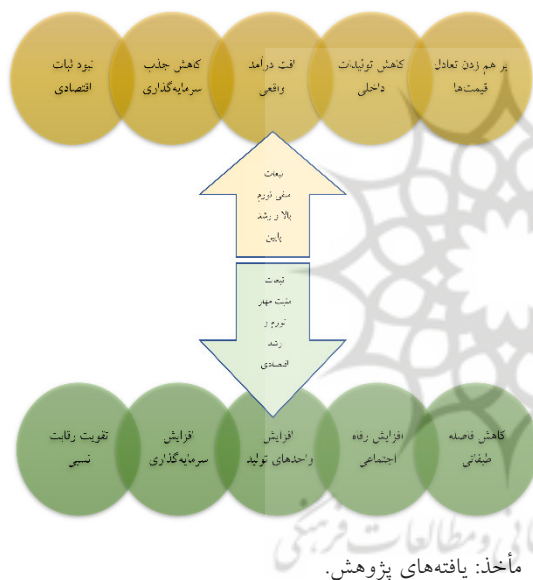
۶. خشنودی، ۱۳۹۱.

## 2. Commercial Banks

## 3. Investment Banks

بلندمدت بر آن دارد در صورتی که نرخ تورم پایین، چرخه تولید داخلی را فعال تر می کند و منجر به افزایش نرخ رشد اقتصادی می شود. در شکل شماره ۲، پیامدهای منفی وجود تورم بالا و پایین بودن نرخ رشد اقتصادی و پیامدهای مثبت مهار تورم و رشد اقتصادی ارائه شده است.

شکل ۲- مقایسه پیامدهای وجود تورم و نرخ رشد پایین با مهار تورم و رشد اقتصادی بالا



تورم بالا منجر به ایجاد وضعیت بی ثبات در بازارها و اقتصاد می شود. تورم بالا و بی ثباتی در اقتصاد منجر به اختلال در نظام تخصیص قیمت ها و بر هم خوردن توزیع درآمد در جامعه می شود.<sup>۴</sup> با بر هم خوردن توزیع درآمد در جامعه، درآمد واقعی

سرمایه گذاری خارج شده است. همچنین، توان مالی بانک ها از نظر اعطای تسهیلات جدید با وجود مطالبات معوق کاهش می یابد. در نتیجه، امکان تجهیز بخش های مختلف اقتصادی از بین می رود و رشد اقتصادی کاهش می یابد.<sup>۱</sup> برای مثال، میزان بدهی دولت به شبکه بانکی (شامل بانک ها و بانک مرکزی) در آبان سال ۱۴۰۰، حدود ۷۰۵ هزار میلیارد تومان بوده که از این مقدار، حدود ۲۷ هزار میلیارد تومان بدهی دولت به بانک مرکزی<sup>۲</sup> بوده است. این مقدار از بدهی در آبان سال ۱۴۰۱، با ۱۹/۸ درصد رشد، روند افزایشی را طی کرده است. اگر چنین مبلغی در قالب تسهیلات بانکی در اختیار بخش خصوصی به خصوص بخش تولیدی قرار می گرفت، می توانست به صورت مستقیم به رشد اشتغال و تولید منجر شود و روند افزایش تورم را کمتر کند.

## ۲- ملاحظات امنیت اقتصادی

در مبحث توسعه و پیشرفت کشور، نرخ رشد اقتصادی بالا و پایین بودن نرخ تورم از جایگاه ویژه ای برخوردار هستند.<sup>۳</sup> تورم متغیر کلان بسیار مهمی در اقتصاد است که تقریباً بر دیگر متغیرهای اقتصادی اثرگذار (آثار مستقیم و غیرمستقیم) است. تورم حتی رشد اقتصادی را نیز به شدت تحت تأثیر قرار می دهد؛ به طوری که تورم بالا به شدت نرخ رشد اقتصادی را کاهش می دهد و آثار سوء کوتاه مدت و

۱. احمدیان، ۱۳۹۲.

۲. خالص بدهی دولت به بانک مرکزی که از مابه التفاوت بدهی دولت و شرکت های دولتی و میزان سپرده های دولت و شرکت های دولتی نزد بانک مرکزی به دست می آید.

۳. فردید و همکاران، ۱۳۹۳.

۴. صادقی و همکاران، ۱۳۸۹.

تورم‌های پایین، توزیع درآمد مطلوب‌تر است و سطح رفاه اجتماعی افزایش می‌یابد.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهکارها

دولت به‌عنوان بزرگ‌ترین مجموعه تصمیم‌گیر در کشور، بیشتر از هر مجموعه و واحد اقتصادی دیگر در مهار تورم و رشد تولید نقش دارد. چهار محور اصلی اثرگذاری دولت بر مهار تورم و رشد اقتصادی در گزارش حاضر مورد بررسی قرار گرفته است از جمله محور مولدسازی دارایی‌های دولتی که در صورت انجام دادن صحیح فرایند آن منجر به افزایش تولید داخلی، تأمین کسری بودجه دولت و... می‌شود که در بلندمدت تورم را کاهش و رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد. محور دوم، خصوصی‌سازی واقعی است که منجر به کاهش حجم فعالیت دولت و متمرکز شدن آن بر بخش عمومی می‌شود. بخش خصوصی واقعی نیز کارآمدتر از دولت است و با گسترش آن، اشتغال، تولید و توان رقابت در بازارهای جهانی افزایش می‌یابد و رشد اقتصادی کشور نیز بهبود می‌یابد. محور سوم، شرکت‌های دولتی هستند. اساساً تمام شرکت‌های دولتی را نمی‌توان به بخش خصوصی سپرد یا در جریان مولدسازی به غیر واگذار کرد. شرکت‌های دولتی به دلیل هزینه بالا، تورم‌زا هستند. عمدتاً هزینه بالای این شرکت‌ها به دلیل طرح‌های عمرانی و تولید محصولات بخش عمومی است. تورم‌زا بودن آن‌ها بدین دلیل است که به‌رغم تخصیص بودجه زیاد برای آن‌ها، بسیاری از طرح‌های اقتصادی نیمه‌کاره باقی می‌مانند یا اینکه

مردم کاهش می‌یابد و قدرت خرید واقعی آنان نیز کم می‌شود و کاهش سطح رفاه اجتماعی خود را نمایان می‌سازد. همچنین، وجود تورم بالا و رشد اقتصادی کند، انگیزه سرمایه‌گذاری در کشور را کاهش می‌دهد. هزینه فرصت و تورم از جمله مفاهیم مهم اقتصادی هستند که در انتخاب درست گزینه سرمایه‌گذاری اهمیت بالایی دارند؛ زیرا تورم بالا منجر به کاهش ارزش پول می‌شود. در چنین شرایطی، مردم حاضر به سرمایه‌گذاری نیستند؛ زیرا هزینه فرصت سرمایه‌گذاری در شرایط تورمی بالاتر از شرایط معمول است. با کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، تأمین مالی واحدهای تولیدی با مشکل مواجه می‌شود و ممکن است برخی از واحدهای تولیدی تعطیل شوند. از سوی دیگر، وجود تورم قیمت مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی را بالا می‌برد و حاشیه سود را کاهش می‌دهد. این موضوع نیز در کاهش تولیدات بسیار اثرگذار است.

در صورتی که دولت به‌عنوان مجموعه بزرگ تصمیم‌گیر در کشور، اقدام به مولدسازی، خصوصی‌سازی و کاهش تصدیگری در شرکت‌های دولتی و شبکه بانکی کند و به عبارتی در راستای مهار تورم و رشد اقتصادی گام مثبت بردارد، تورم کاهش و رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. چنین اقدام مؤثری از سوی دولت منجر به جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و تقویت تولیدات داخلی و افزایش توان رقابتی آن‌ها می‌شود. در تورم‌های پایین، فرصت سرمایه‌گذاری با حاشیه سود منطقی در جامعه به وجود می‌آید. در چنین شرایطی، سرمایه‌گذاری‌های اشخاص نمی‌تواند به فاصله طبقاتی دامن بزند؛ ضمن اینکه در



- خصوصی سازی بنگاه های اقتصادی با زیان بالا در صورت اطمینان از سوددهی در بخش خصوصی.
- بهره گیری از دارایی های مازاد و راکد دولت در جریان مولدسازی و خلق ارزش افزوده با استفاده از تخصص افراد حقیقی و حقوقی.

- **مولدسازی دارایی های دولتی:** در نگاه اول، این راهکار بسیار تکراری و بدون نتیجه به نظر می رسد، اما مولدسازی دارایی های دولتی، اصول و شرایط خاص خود را دارد که در صورت رعایت این الزامات، نتایج مطلوبی از فرایند مولدسازی به دست خواهد آمد. این اصول موارد زیر است.

- **کاهش جریان فروش دارایی های دولتی:** مولدسازی صحیح، فرایندی است که منابع را به صورت پایدار حفظ کند.

- نظارت مستمر بر جریان مولدسازی برای حصول اطمینان از فرایند و جلوگیری از منسده های احتمالی.

- اولویت واگذاری دارایی های دولتی به بخش خصوصی و بخش های فعال تولیدی.

- **گسترش خصوصی سازی واقعی:** در سال های اخیر، خصوصی سازی بنگاه های اقتصادی بسیاری صورت گرفته، اما آنچه از خصوصی سازی موفق مدنظر است، کمتر حاصل شده است. از این رو پیشنهاد می شود در جریان خصوصی سازی بنگاه های اقتصادی، تنها مالکیت از دولت به بخش خصوصی منتقل نشود، بلکه مدیریت نیز به بخش خصوصی سپرده شود و دولت تنها نقش نظارت بر فعالیت بخش خصوصی و حمایت از آن را عهده دار باشد.

اصلاً توجیه اقتصادی ندارند. همچنین، ناهماهنگی بین دولت و شرکت های دولتی در قیمت گذاری محصولات بر تورم دامن می زند و رشد اقتصادی را کاهش می دهد. محور چهارم، دخالت دولت در امور بانکی است که استقلال بانک مرکزی را سلب کرده و تأثیر سیاست های آن را کاهش داده و از این رو کنترل تورم توسط بانک مرکزی تقریباً غیرممکن شده است. راهکارهای پیشنهادی درباره بهبود نقش دولت در تحقق رشد تولید و مهار تورم به شرح زیر است.

- **کاهش دخالت دولت در تصمیمات بانک مرکزی:** برای اینکه بانک مرکزی بتواند تورم را کنترل کند، نیازمند اتخاذ تصمیمات تخصصی و به موقع است. این موضوع به استقلال سیاسی و عملیاتی از دولت و بانک ها و استفاده از متخصصان پولی، بانکی و اقتصاد کلان نیاز دارد. لازم است دولت با اتکا به فعالیت های اقتصادی خود، منابع درآمدی خود را بالا برد تا نیاز کمتر به استقراض از بانک مرکزی، اجبار بانک مرکزی به خلق پول جدید و دخالت در سیاست های بانک مرکزی داشته باشد.

- **کاهش هزینه های دولت:** همان طور که پیش تر بیان شد، یکی از دلایل بروز تورم، بالا بودن هزینه های دولت است. برای مهار تورم، دولت باید هزینه های خود را کاهش دهد. راهکارهای پیشنهادی در این زمینه موارد زیر است.

- عدم تخصیص بودجه به طرح های تعریف شده بدون توجیه اقتصادی.
- تعطیلی واحدهای تولیدی بدون سود و با زیان بالا و تقویت دیگر بخش های مولد اقتصادی.

- صادقی، کمال، امینه شبیائی و مجید فشاری (۱۳۸۹). «بررسی عوامل مؤثر بر تورم با تأکید بر اندازه دولت»، فصلنامه علمی مدل‌سازی اقتصادی. (۱۱) ۴، صص ۹۱-۷۳.

- فردید، فرشته، علی یعقوبی‌پور و اقبال پاک‌طینت (۱۳۹۳). «اهمیت نرخ رشد و نقش عوامل تولید در رشد اقتصادی»، اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت در قرن ۲۱. - کمیجانی، اکبر و ناهید پوررستمی (۱۳۸۷). «تأثیر سرکوب مالی بر رشد اقتصادی (مقایسه اقتصادهای کمتر توسعه‌یافته و نوظهور)»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران.

- معمارنژاد، عباس و محمود بابازاده (۱۳۹۲). «اثر خصوصی‌سازی بر رشد تولید ناخالص داخلی در ایران و کشورهای منتخب»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی.

- نیلی، فرهاد (تابستان ۱۳۸۴). «مقدمه‌ای بر ثبات مالی»، نشریه روند. پیاپی ۴۵.

- همتی، محمد، علی‌اصغر همتی و حمیدرضا کرکه‌آبادی (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر خصوصی‌سازی بر بهره‌وری و مصرف بهینه منابع»، همایش ملی خصوصی‌سازی در ایران. سمنان.

- بیانات مقام معظم رهبری؛ دیدار رضانی مسئولان نظام با رهبر معظم انقلاب، ۱۴۰۲/۱/۱۵.

- مرکز پژوهش‌های مجلس، بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۲. - بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۸/۲/۲۴.

- ایجاد هماهنگی میان دولت و شرکت‌های دولتی: یکی از عوامل اثرگذار و مؤثر بر مهار تورم و رشد اقتصادی، ایجاد هماهنگی میان دولت و شرکت‌های دولتی است. این مسئله بیشتر خود را در قیمت‌گذاری محصولات نشان می‌دهد. همان‌طور که گفته شد، ناهماهنگی میان دولت و شرکت‌های دولتی موجب چندنرخ‌ی شدن محصولات، تورم و کاهش رشد اقتصادی می‌شود. از این رو دولت باید در راستای مهار تورم و رشد اقتصادی، اقدام به تقویت ارتباطات و هماهنگی با شرکت‌های دولتی به‌خصوص در زمینه قیمت‌گذاری محصولات کند.

## منابع

- احمدیان، اعظم (۱۳۹۲). ارزیابی عملکرد صنعت بانکداری در ایران؛ مقایسه سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰. پژوهشکده پولی و مالی بانک مرکزی.

- امامی، کریم و لیلا احمدی (۱۳۹۰). «تأثیر نااطمینانی مخارج جاری و عمرانی دولت بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در اقتصاد ایران»، فصلنامه علمی مدل‌سازی اقتصادی.

- خشنودی، عبدالله (۱۳۹۱). بررسی و برآورد میزان آسیب‌پذیری بخش بانکی با استفاده از نگرش ترازنامه‌ای و شاخص Z-Score (رساله دکتری دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تربیت مدرس).

- صادقی شاهانی، مهدی، کامران ندری و وهاب قلیچ (زمستان ۱۳۸۸). «اثرات نقش حاکمیتی و تصدیگری دولت بر توزیع درآمد به روش ARDL؛ مطالعه موردی: ایران»، فصلنامه اقتصاد مقداری. دوره ۶، شماره ۴.